

در این زمینه باید گفت که بعضی مسائل که مستحدث هستند که قبلاً در آن سابقه قانونگذاری وجود نداشته مثل جرائم اینترنتی یا مسائل بیع الکترونیکی، در این زمینه لازم است قانونگذار با کمک گرفتن از کارشناسان مربوط نسبت به تقنین قوانین لازم اقدام نمایند اما برخی از مسائلی هستند که قبلاً موضوعی وجود داشته ولی در حال حاضر با پیشرفت بعضی از مسائل روز آن قوانین نیاز به تفسیر یا تصویب قوانین در آن ردیف نسبت به مسائل مستحدث شده است به عنوان مثال می توان به قانون افراز و فروش املاک مشاع مصوب ۱۳۵۷/۸/۲۲ و آیین نامه آن مصوب ۲۰ اردیبهشت ۱۳۵۸ اشاره نمود. که در ماده اول قانون فوق بیان شده است «افراز املاک مشاع که جرایم ثبتی آنها خاتمه یافته اعم از اینکه در دفتر املاک ثبت شده یا نشده باشد در صورتی که مورد تقاضای یک یا چند نفر شریک باشد یا واحد ثبتی محلی خواهد بود که ملک مذکور در حوزه آن واقع است. واحد ثبتی با رعایت کلیه قوانین و مقررات ملک مورد تقاضا را افراز می نماید. تبصره - نسبت به ملک مشاع که برای آن سند مالکیت معارض صادر گردیده تا زمانی که رفع تعارض نشده اقدام به افراز نخواهد شد» و مقررات مربوط به آن در مواد بعدی و آیین نامه آن مشخص کرده است. همان طوری که در نص ماده آمده است مورد افراز فقط مشمول املاک می باشد حال سؤال این است که آیا شامل حق کسب و پیشه نیز می شود که در این زمینه رویه قضایی به لحاظ قید کلمه املاک در قانون مرقوم حق کسب و پیشه را قابل افراز نمی دانند ولی در پاسخ گفتنی است که اولاً قانونگذار در زمان تصویب قانون افراز به لحاظ اینکه حق کسب و پیشه هنوز به شکلی که امروزه از لحاظ حقوقی و رویه قضایی و عرف و برجامعه شناسایی شده است و به عنوان یک حق مالی مستقل در نظر گرفته می شود، اعتبار خود را به دست نیارده بود و لذا چون قانونگذار معمولاً مواردی را که بیشتر در جامعه مطرح می شود مدنظر دارد و لذا توجه به قابل افراز بودن یا نبودن حق کسب و پیشه نداشته و از این جهت فقط کلمه «املاک مشاعی» را در قانون فوق بیان کرده است و اشاره به «حق کسب و پیشه مشاعی» ننموده است در حالیکه با توجه به اینکه امروزه حق کسب و پیشه حتی قابلیت توقیف و فروش آن به نفع ذی حق وجود دارد که جدای از عین می باشد و یک موجودیت اعتباری برای حق کسب و پیشه در نظر گرفته شده است لازم است که بر کلمه «املاک مشاعی» توسط قانونگذار کلمه «حق کسب و پیشه مشاعی» نیز افزوده شود یا با یک ماده واحد بیان گردد که قانون فوق الذکر و آیین نامه آن شامل حق کسب و پیشه مشاعی نیز می گردد. ولی در حال حاضر که هنوز چنین قانونی تصویب نشده لازم است قضات محترم محاکم با تفسیر موسع استفاده از این قانون را وجهه

عمل قرار دهند قانون چرا که اگر حق کسب و پیشه مشاعی مثلاً دو نفر در یک مغازه دارند آیا می توان به استناد عدم وجود قانون در این زمینه این دو نفر را الزام کرد که تا ابد حتی وارث ایشان قهراً با همدیگر شریک بمانند. آیا این امر بر خلاف حاکمیت اراده طرفین که در ماده ۱۰ قانون مدنی بر آن تأکید شده است، نیست از طرفی در ماده ۵۷۶ قانون مدنی اعلام نموده است «طرز اداره کردن اموال مشترک تابع شرایط مقرر بین شرکاء خواهد بود» که این امر در واقع موضوع را به ماده ۱۰ قانون مدنی ارجاع داده است و بالاخره در ماده ۵۸۶ همان قانون قید شده که «اگر برای شرکت در ضمن عقد لازمی مدت معین نشده باشد هر یک از شرکاء هر وقت بخواهد می تواند رجوع کند. که ماده ۵۷۸ همان قانون نیز مؤید این معناست پس باید گفت مالکین مشاع بر حق کسب و پیشه نیز می توانند افراز آن را بخواهند یا عندالزوم (یعنی در صورت عدم قابلیت) آن را بفروش برسانند. علی هذا لازم است قانونگذار به طور صریح در این زمینه حل اختلاف نماید.

■ آیا اگر قراردادی در قالب حق انتفاع منعقد شود با توجه به ماده ۳۰ قانون روابط موجر و مستأجر مصوب ۱۳۵۶ باطل است؟

ماده ۳۰ قانون مرقوم اعلام نموده است «کلیه طرق مستقیم یا غیر مستقیم که طرفین به منظور جلوگیری از اجرای مقررات این قانون اتخاذ نمایند پس از اثبات در دادگاه بلااثر و باطل اعلام خواهد شد» در حالی که ماده ۴۰ قانون مدنی اعلام نموده است «حق انتفاع عبارت از حقی است که به موجب آن شخصی می تواند از مالی که عین آن ملک دیگری است یا مالک خاصی ندارد استفاده کند. در خصوص ماده ۳۰ قانون روابط موجر و مستأجر فوق باید گفت که بحث طولانی است ولی به اختصار بیان می شود که ماده مرقوم به طور مطلق نیست بلکه حسب مورد است هرچند در اینجا اراده قانونگذار جانشین اراده طرفین شده است اما در واقع تحدید کننده اراده طرفین است. لذا حسب مورد باید دید که اراده طرفین به چه شکلی است؟ اگر واقعاً اراده واقعی را احراز نماییم باید به آن اراده عمل نمود و ماده ۳۰ مرقوم نیز هیچ منافاتی با آن نخواهد داشت در غیر این صورت به ماده ۳۰ فوق عمل می نماییم و در حق انتفاع نیز اگر واقعاً اثبات شود که طرفین اراده خود را بر مبنای مواد ۴۰ به بعد قانون مدنی منعقد نموده اند در این صورت باید آن را خارج از ماده ۳۰ قانون فوق الذکر در نظر گرفت.

■ در پایان از حوصله ای که در ارائه پاسخها به خرج دادید تشکر می شود.

بنده نیز از فرصتی که در اختیار گذاشتید کمال تشکر را می نمایم با ذکر این نکته مطالبی که بیان شد از روی احساس وجدانی و دلسوزی بوده و مقصود فقط اجرای صحیح قوانین و شرح می باشد.

◀ محسن بنفشه - رییس شعبه ۹ دادگاه حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی

مدیریت و قضاوت دو مقوله متفاوت اما مرتبط با هم است

از سال ۱۳۷۳ در دادگستری شروع به کار نمود. دارای مدرک تحصیلی لیسانس علوم قضایی بوده و هم اکنون رییس شعبه ۹ دادگاه عمومی تهران می باشد. تا کنون در سمتهای، دادرس دادگاه حقوقی ۲ مستقل - رییس دادگستری شهرستان تفرش - رییس شعبه ۱۰۵ دادگاه عمومی تهران - رییس شعبه ۱۰۳ دادگاه عمومی تهران (شعبه ۹ فعلی) فعالیت داشته است.

■ در این شعبه به چه نوع از دعوی رسیدگی می شود؟

تقریباً به کلیه دعوی حقوقی در این شعبه رسیدگی می شود.

■ نظر شما درخصوص نحوه مدیریت مجتمع چیست؟

تا آنجا که بنده اطلاع دارم ایشان اقداماتی را در جهت بهبود وضع مجتمع قضایی شهید بهشتی معمول داشته اند ولی با توجه به اینکه ایشان در کنار مدیریت مجتمع قضایی تصدی شعبه سوم را نیز برعهده دارند از نظر زمانی ایشان محدودیت دارند که البته تصدی امر قضاء و مدیریت به صورت همزمان کار مشکلی است و به ندرت دیده شده که کسی بتواند در هر دو موقعیت توانمان موفقیت کامل داشته باشد و اساساً مدیریت و قضاوت دو مقوله متفاوت اما مرتبط با هم است.

■ اوقات رسیدگی در این شعبه چند ماهه است؟

حدوداً ۶ ماهه است.

■ برای تسریع در رسیدگی چه مواردی باید رعایت شود؟

۱- تأمین کادر قضایی و اداری و تجهیزات متناسب با وظایف و امور محوله به قوه قضاییه. ۲- تقویت و تداوم آموزش ضمن خدمت کارکنان بالاخص قضات با توجه به نوع فعالیت ایشان و متناسب با نوع پرونده های ارجاعی به نامبردگان به طرق مقتضی. ۳- نظارت صحیح و دقیق بر عملکرد کارکنان و افزایش تشویق افراد متعهد و دلسوز به صورت مادی و معنوی و در موارد لزوم برخورد مناسب با افراد متخلف و بی مسؤولیت به منظور سالم سازی محیط کار و ارتقای کیفیت و کمیت کار. ۴- رفع مشکلات مادی کارکنان تشکیلات قضایی و ایجاد امکانات رفاهی بیشتر برای ایشان بالاخص قضات و کارمندان دادرسها و دادگاهها که از نظر روحی و جسمی در وضعیت دشوارتری قرار دارند. ۵- تخصیص کردن شعب دادگاهها و دادرسها. ۶- تقویت واحدهای ارشاد قضایی از طریق به کارگیری افراد مجرب و کارآزموده و افزایش

با مشاورین حقوقی در بنگاههای معاملات ملکی یا نمایشگاهها و غیره و التزام افراد طرف قرارداد به اخذ تأییدیه از ایشان همانند مهندسین ناظر برای احداث بنا .

ب- در مورد مشکلات موجود در قوه قضاییه می توان به موارد مذکور در پاسخ سؤال ۵ اشاره کرد و علاوه بر آن : ۱- باید به عدم کفایت اعتبارات تخصصی برای قوه قضاییه توجه کرد که همین موضوع منشأ بروز بسیاری از مشکلات در این قوه گردیده است چرا که در جهت توسعه قضایی عوامل متعددی دخالت دارند که یکی از عوامل مهم و اصلی آن نیروی انسانی است که در صورت عدم وجود کادر قضایی و اداری مجرب و متعهد نمی توان اقدام مؤثری را معمول نمود و در حال حاضر توجه چندانی به این موضوع نشده است و یکی از علل مهم خروج کارکنان قوه قضاییه بالاخص قضات ، عدم تناسب حقوق و مزایای ایشان با هزینه زندگی و درآمد افراد متخصص در این مورد در جامعه امروزی است به عنوان مثال می توان به آیین نامه مربوط به تعرفه حق الوکاله وکلای دادگستری اشاره نمود که در آن حق الزحمه مطالعه پرونده توسط وکیل یا کارآموز وکالت مبلغ ۲۰۰ هزار ریال تعیین شده است در صورتی که در قوه قضاییه هرگاه دادگاه پرونده هایی را بیش از حد استاندارد مختومه نماید مبلغ ناچیزی به قاضی و کارمندان آن دادگاه پرداخت می شود که هیچ تناسبی با کمیت و کیفیت کار انجام شده ندارد و نوعی ظلم در حق ایشان محسوب می گردد به نظر این حقیر افرادی که در حال حاضر در قوه قضاییه بالاخص دادسراها ، دادگاهها ، دیوان عالی و هیأت های تشخیص مشغول به کار هستند بر مبنای تعهد و احساس مسؤولیت شرعی و اعتقادی است که به نظام اسلامی دارند و اگر چنین تکلیفی نبود بسیار بعید به نظر می رسد که کسی با شرایط موجود در این تشکیلات به کار خود ادامه دهد . آیا این توقع و انتظار صحیح است که از افرادی درخواست اجرای عدالت شود در صورتی که نسبت به این افراد اجرای عدالت نشده است اگر می خواهیم سرمایه های واقعی در قوه قضاییه حفظ شوند باید واقعیت های تلخ را پذیرا باشیم و در صدد رفع مشکلات کارکنان قوه قضاییه تلاش کنیم والا این نیروهای متخصص و متعهد باقی مانده هم از تشکیلات قضایی خواهند رفت و نمی توان بدون وجود نیروهای متخصص و متعهد انتظار اجرای عدالت در دادگستری داشت در صورتی که دوستاندار تأمین امنیت و آسایش و عدالت در جامعه اسلامی هستیم باید تشکیلات قضایی کارآمد و متعهد و مخلص داشته باشیم . تا بتواند با اقتدار مقررات قانونی را در مورد هر کس اجرا نماید والا به هیچ وجهی نمی توان اجرای عدالت نمود . ۲- تقویت شوراهای حل اختلاف از نظر کمی و کیفی ۳- نظارت بیشتر بر انجام اعمال

کارشناسی در موعد معینه یا مبهم و ناقص بودن نظریات تسلیمی ۷- عدم حضور اصحاب دعوا در جلسه دادرسی و ضرورت اخذ توضیح از ایشان پیرامون موضوع خواسته به علت دقیق نبودن متن دادخواست ۸- عدم اطلاع مراجعین به دادگستری از مقررات قانونی و طرح دعوا به کیفیت نادرست ۹- عدم ارسال پرونده ها و سوابق مورد مطالبه دادگاه از مراجع قانونی ذی ربط بالاخص بایگانی راکد دادگستری ۱۰- درج خواسته های متعدد در یک دادخواست ۱۱- عدم پایداری قوانین و مقررات تصویبی و عدم امکان تسلط قضات بر همه قوانین به علت تعدد آنها مرتبط با موضوعات مشابه و پراکندگی آنها و مشکل برداشت صحیح از قوانین مذکور .

■ **اهم مشکلاتی که با آن مواجه هستید کدام است؟**
مبارزه با علت مهمتر و مؤثرتر از مقابله با معلول در هر موضوعی است . این دو نکته در رابطه با قوه قضاییه می توان به دو بخش تقسیم و مورد بررسی قرار داد :

الف- مشکلاتی که مربوط به قبل از مراجعه افراد به دادگستری می باشد که این مشکلات معلول عواملی است که بیشتر به قوه مجریه و قضاییه برمی گردد مگر موارد خاصی که مربوط به قوه قضاییه است مثل اقدامات تأمینی در جهت پیشگیری از وقوع جرم و بروز اختلاف بین مردم که در این خصوص باید به عواملی اشاره نمود : ۱- عدم وجود قوانین متناسب با مقتضیات زمان و مکان مربوط به هر یک از وزاتخانه ها ، مؤسسات دولتی و وابسته به دولت ، شرکتها ، نهادها ، مؤسسات عمومی ، شهرداریها ، بانکها و دیگر مراجع ذی ربط که اجرای آن موجب جلوگیری از هر گونه سوء استفاده از هر نوع گردد . ۲- سوء تدبیر و مدیریت مدیران در مراجع فوق الذکر که منتهی به بروز مشکلات عدیده گردیده است . ۳- عدم نظارت کافی و دقیق بر نحوه عملکرد مراجع مذکوره ۴- عدم معرفی افراد مختلف به مراجع قانونی ذی ربط در جهت اجرای مقررات قانونی در مورد ایشان ۵- فقر فرهنگی ، اعتقادی ، مادی و عدم اطلاع کافی افراد جامعه از مقررات قانونی و حقوق و تکالیف خود . ۶- ناکافی بودن بودجه و اعتبارات قوه قضاییه در جهت پیشگیری از وقوع جرم و انجام اقدامات لازم پس از آزادی مجرمین و گاه عدم همکاری لازم از طرف مراجع قانونی ذی ربط با قوه قضاییه در جهت انجام تکالیف قانونی تشکیلات قضایی ۷- عدم تخصیص اعتبارات کافی برای قوه قضاییه که همین موضوع منشأ بروز بسیاری از نابسامانیها در تشکیلات قضایی گردیده است . ۸- ایجاد تشکیلات لازم قانونی به منظور نظارت بیشتر بر عملکرد مراجع دولتی و غیر دولتی و اشخاص در زمان انجام اعمال حقوقی با استفاده از متخصصین امر در رشته های مختلف مثل استفاده از کارشناسان رسمی دادگستری و وکلاء

تعداد آنها به منظور راهنمایی دقیق تر و صحیح تر مراجعین به دادگستری و استقرار ایشان بر مبنای نوع تخصص و تجربه هر یک از ایشان در مراجع قضایی مربوط . ۷- ایجاد و تشکیل ضابط مستقل در قوه قضاییه و از بین افراد متعهد جامعه و آموزش کافی و لازم آنها به منظور اجرای صحیح و دقیق وظایف قانونی که بر عهده ضابطین است . ۸- ارجاع کمتر پرونده به شعبی که دارای موجودی زیاد هستند . ۹- ارتقای سطح آگاهی مردم نسبت به قوانین و در خصوص کیفیت طرح دعوا یا شکایت ، نحوه رسیدگی و چگونگی پیگیری پرونده خود از بدو ورود به مرجع قضایی تا ختم پرونده و آشنایی ایشان با واحدهای متشکله در مراجع قضایی . ۱۰- در صورت امکان استقرار کارشناسان رسمی به تعداد مورد نیاز به طریق مقتضی و شایسته در محل مناسبی نزدیک به واحدهای قضایی که امکان دسترسی توسط مراجع قضایی و مراجعین به دادگستری به ایشان تسهیل گردد . ۱۱- استقرار دادسرا - دادگاه کیفری - اطفال - حقوقی - خانواده در هر مجتمع قضایی و بر طرف نمودن پراکندگی کنونی به منظور دسترسی راحت تر مردم به مراجع مذکور . ۱۲- گزینش افرادی که به عنوان عریضه نویس در واحدهای قضایی مستقر می گردند از نظر علمی و اخلاقی و اعتقادی و موارد دیگر . ۱۳- آشنایی بیشتر کارکنان با علوم جدید در جهت پیشبرد اهداف قوه قضاییه . ۱۴- توجه و دقت بیشتر قضات به اظهارات اصحاب دعوا و وکلای ایشان و دیگر افراد مرتبط با پرونده و تلاش در جهت اصلاح ذات بین با ایجاد زمینه های مناسب . ۱۵- تغذیه کارکنان در بین ساعات اداری به کیفیت مناسب . ۱۶- ایجاد جو صمیمی و دوستانه بین کارکنان در محیط کار . ۱۷- انتقال و جا به جایی کارمندان پس از جلب نظر قضات . ۱۸- بررسی اولیه پرونده توسط مدیر دفتر دادگاه و در صورت لزوم تذکر به خواهان با هماهنگی قاضی شعبه در موارد لازم در جهت رفع اشکال دادخواست از هر جهت . ۱۹- مطالعه دقیق پرونده و اشراف و تسلط کامل قضات بر پرونده و مقررات قانونی مربوطه قبل از تشکیل جلسه دادرسی . ۲۰- کنترل دقیق پرونده ها از هر جهت توسط مدیر دفتر دادگاه قبل از ارسال آن به دادگاه . ۲۱- متمرکز کردن قوانین و لغو قوانین زاید که عملاً با توجه به مقتضیات زمان و مکان قابلیت اعمال و اجرا ندارد .

■ **علت عمده اطاله دادرسی چیست ؟**

۱- کمبود کادر قضایی و اداری ۲- تخصصی نبودن شعب دادگاهها ۳- تراکم بیش از حد پروندهها در شعب ۴- عدم تسلط کافی کادر قضایی و اداری از نظر مقررات قانونی یا موضوع پرونده به علت تنوع موضوعات مطرحه در پرونده ۵- عدم وصول پاسخ استعلامات از مراجع قانونی ذی ربط یا ناقص بودن پاسخ ۶- عدم ارائه نظریه

حقوقی افراد جامعه و مکلف نمودن آنها به استفاده از کارشناسان رسمی دادگستری و متخصصین در فنون و علوم مرتبط با موضوع عمل حقوقی و قراردادها ۴- تقویت التزام عملی به مراجعه طرفین اختلاف به داور مرض الطرفین یا انتخابی در دادگاه بنا به درخواست طرفین اختلاف و ایجاد تشکیلات متناسب در جهت انجام داورى مشکل از کارشناسان در هر یک از موارد اختلاف

■ **ضرر و زیان ناشی از صدور چک بلامحل و نوع اقامه دعوی و نحوه رسیدگی به آن چگونه است؟**
مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم صدور چک بلامحل را در زمانی که پرونده کیفری تشکیل گردیده می توان از طریق دادگاههای کیفری به عمل آورد و هم اینکه دارنده چک می تواند قبل از اعلام شکایت از صادرکننده یا بعد از صدور حکم در دادگاه کیفری در شعب حقوقی طرح دعوا نماید که نوعی دعوی مالی است با این تفاوت که برابر مقررات ماده ۱۶ قانون صدورچک به دعوی مذکور خارج از نوبت رسیدگی می شود و از طرفی در صورتی که خواهان آدرس محل اقامت خواننده را آدرس بانکی اعلام نمود می توان اوراق مربوط به صادرکننده چک را با توجه به ماده ۲۲ قانون مذکور در آدرس بانکی ابلاغ قانونی نمود و گزارش مأمور ابلاغ هم به منزله ابلاغ اوراق محسوب کرد و به نظر می رسد ضرورتی به دعوت صادر کننده چک از طریق انتشار آگهی نباشد .

◀ **رضا ارغوانی- سرپرست اجرای احکام در مجتمع قضایی شهید بهشتی**

مدیریت روند گرایي مناسب تر است

کارشناسی ارشد حقوق خصوصی از سال ۱۳۷۷ فعالیت قضایی خود را شروع کرده و تاکنون به عنوان قاضی تحقیق دادگاه عمومی بخش پیشوا، قاضی تحقیق دادگستری شهرستان ری و دادرس دادگاه عمومی تهران مجتمع قضایی امام خمینی(ره) فعالیت داشته و آخرین سمت قضایی ایشان پس از اصلاح قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب، دادرس علی البدل دادگاه عمومی شهرستان تهران بوده در حال حاضر سرپرست اجرای احکام در مجتمع قضایی شهید بهشتی می باشد .
■ در این مجتمع چند شعبه اجرای احکام فعالیت می نماید و مجموعه را چند قاضی اداره می کند ؟
اجرای مجتمع قضایی شهید بهشتی دارای ۵ شعبه می باشد که هر یک توسط یکی از دادرسان محترم مجتمعها اداره می شود و به تعداد لازم از مدیر اجراء ، داوروزان اجراء و متصدیان دفتر تحت نظارت ایشان در شعبه فعالیت می نمایند .
■ نحوه مدیریت شما در خصوص اجرای احکام

مجتمع چگونه است ؟

امروز نحوه مدیریت به دو گونه است یا روندگرایی است و یا نتیجه گرایي می باشد به اعتقاد اینجانب سیستم مدیریت روند گرایي مناسب تر است زیرا هدفش بهبود مستمر روند کار است و نتیجه آن نیز مثبت می باشد . بنابراین بهبود مستمر روند اجراء اساس کار اینجانب می باشد .

■ **کیفیت عملیات اجرایی در مجتمع قضایی شهید بهشتی چگونه است ؟**

پس از ارسال قرار تأمین خواسته و یا اجرائیه از دادگاه حقوقی و یا جزایی مستقر در حوزه فعالیت مجتمع قضایی شهید بهشتی و یا ارسال قرار تأمین خواسته های صادره از دادسرا به واحد رایانه مجتمع ارجاع می شود واحد رایانه طبق برنامه ای که از قبل پیش بینی شده است پرونده ها را ثبت یکی از شعب پنجگانه می نماید پس از وصول پرونده به شعب با تقاضای خواهان و یا محکوم له عملیات اجرایی حسب مورد اجراء شروع می شود .
■ در این مجتمع چند پرونده اجرایی بدون اقدام و در دست اقدام وجود دارد ؟

اجرای احکام این مجتمع قائم مقام اجرای احکام مربوط به مجتمع قضایی امام خمینی (ره) ، میرداماد، شهید قدوسی و ولی عصر(عج) می باشد بنابراین کلیه پرونده های اجرایی مجتمعهای قضایی فوق الذکر به کلاس جدید ثبت و عملیات اجرایی آن شروع و یا تعقیب می گردد .
■ وضعیت آماری اجرای احکام به چه نحوی است؟ (پرونده های موجودی - مختومه - بلا تکلیف و ...)

درحال حاضر موجودی اجرای احکام مدنی ۳۳ هزار فقره پرونده می باشد و این اجراء در صدد برنامه ریزی مناسبی جهت کاهش موجودی در راستای مقررات می باشد .

■ **در پرونده های اجرای احکام اطاله اجراء وجود دارد یا خیر ؟ علت چیست ؟**

اطاله عملیات اجرایی دوعلت دارد یک سری علل داخلی که ارتباط مستقیم با تشکیلات قضایی دارد و یک سری علل خارجی که منشأ آن بیرون از سیستم قضایی است . علل داخلی : ۱- فقدان لوازم اداری که منجر به عدم استفاده بهینه و مطلوب از متصدیان اجراء می باشد . ۲- نبود دستورالعمل مناسب در خصوص تعیین وظایف قانونی مدیران اجراء و داوروز اجراء که این امر منجر به اطاله اجراء می شود . علل خارجی از عدم همکاری مناسب وزارتخانه ها، مؤسسات دولتی و سایر مراجع قانونی ناشی می گردد .

■ **چه راهکارهایی برای رفع اطاله در اجراء پیشنهاد می نمایید ؟**

برای رفع اطاله روند اجرایی پیشنهاد می نمایم اولاً امکانات و وسایل لازم تهیه و در اختیار متصدیان اجراء قرارگیرد تا همان گونه که در ماده ۱۶ قانون اجراء احکام پیش بینی شده است

۵۰ درصد از حق اجراء که توسط اجرای احکام وصول می شود . طبق آیین نامه وزارت دادگستری باید به این امر اختصاص یابد و تا کنون اقدامی در این خصوص ملاحظه نشده است در هر صورت ، ماده فوق الذکر متروک و مهجور مانده است . ثانیاً متصدیان اجراء باید آموزش لازم در خصوص نحوه اجرای حکم و سایر موارد ضروری و مرتبط با اجراء را ببینند تا حکم به نحوه صحیح اجراء شود و اجرای حکم صحیح از اطاله عملیات اجرایی جلوگیری می نماید .

■ **در اجرای مزایده ها چه مشکلاتی وجود دارد ؟ برای رفع این مشکلات چه راهکاری مد نظرتان است ؟**

در خصوص عملیات فروش اموال منقول و یا غیر منقول از حیث شکلی مشکل خاص وجود ندارد اما از لحاظ ماهوی و مستفاد از ماده ۵۱ قانون اجرای احکام مدنی از اموال محکوم علیه باید به میزانی فروخته شود که معادل محکوم له و هزینه های اجراء باشد، بنابراین چنانچه ارزش املاک ثبتی یا مال منقول توقیف شده بیش از محکوم له باشد و آن مال قابل تجزیه نباشد باید قسمت مشاعی از آن فروخته شود در این صورت اکثر افرادی که جهت شرکت درمزایده حاضر می شوند به لحاظ اینکه مالکیت مشاعی نسبت به مال پیدا می نمایند از شرکت درمزایده منصرف می شوند و این امر اطاله عملیات اجرایی را ایجاد می نمایند برای رفع این مشکل اصلاح قانون لازم است که در حیطه اختیارات و وظایف مجلس شورای اسلامی است

■ **برای اینکه در یک مجتمع قضایی اجرای احکام همسانی داشته باشیم چه متدهای باید موجود باشد و یا چه شرایطی ؟**

امروز تمام سیستمهای اداری دنیا مجهز به اتوماسیون و IT (فن آوری اطلاعات) می باشند بنابراین اجرای احکام استاندارد باید واجد این دو موضوع باشد مگر در مواردی که ضرورت حضور فیزیکی درمحل اجرای حکم باشد .

■ **به نظر جناب عالی پس از احیای دادسرا ، خللی در روند محاکم ایجاد نشده است ؟**

بعد از اجرای قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب در استان تهران تمام امکانات و تجهیزات به سمت دادسرا هدایت شد و به محاکم کمتر توجه گردید البته این موضوع در طولانی مدت به زیان تشکیلات قضایی خواهد بود .

■ **دیدارهای حضوری ریاست محترم قوه و دستور معظم له برای محاکم یا اجراء خللی در سیستم اجرایی ایجاد نمی نماید ؟**

دیدارهای حضوری ریاست معظم قوه قضاییه با مراجعین به دادگستری به نظر می رسد بیشتر جنبه نظارتی بر اقدامات قضایی دارد و مضافاً اینکه تصمیماتی که در خصوص عرایض مردم اتخاذ